

روایتی مستند از سرگذشت محله‌ای قدیمی در قلب شهر مشهد

بوی گندم وعطر هلودر حافظه تاریخی «سعدآباد»



تصویر هوایی سال ۱۳۴۹ از اراضی سعدآباد همان‌طور که در تصویر مشخص است چیزی از مزرعه سعد آباد باقی نمانده است. به استناد نقشه سال ۱۳۳۳ مشهد این مزرعه در دهه ۳۰ وجود داشته است.

دوره صفویه وجود دارد. یکی از قدیمی‌ترین اسناداین مزرعه دبریا، سندی مربوط به سال ۱۰۴۰/۹۹۰ش (به شماره ۲۲۶۳۵ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی) و دوره شاه عباس یکم است که در آن ضمن اشاره به لای‌روبی قنات معروف این مزرعه توسط شخصی به نام«استاد درویش حسین»، ازکشت میوه هلو(در متن سند: شفتالو) در آن سخن به میان آمده است. دراین مزرعه، دست‌کم از دوره صفویه به این‌سو، سزنجات مورد استفاده مردم مشهد نیز کشت می‌شد که در اسناد از اراضی مربوط به آن با نام «باغتره» (در لهجه مشهدی، یاخترَه) یاد می‌کردند (سند شماره۴۵۱۲۹ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

● تاریخ مدیریت مزرعه سعدآباد در دوره قاجار و به‌طور خاص در دوره ناصرالدین‌شاه، مزرعه سعدآباد بخشی از بلوک «میان ولایت» بود. در کتابچه این بلوک که مربوط به دوره ناصری است، درباره مزرعه سعدآباد می‌خوانیم: «در اطراف مشهد واقع‌است قدیم‌النسق است. زراعت [آن] از آب قنات مشروب می‌شود. هوایش معتدل است. نوکر دیوان ندارد.» مزرعه مذکور در همان دوره صاحب «داروغه» بود و این داروغه بر الگوی آبیاری اراضی کشاورزی فعال در مزرعه سعدآباد نظارت می‌کرد (سند شماره۲۴۲۲۲ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). بعدها در دوره قاجار، این مسئولیت به میراب هاودشتیان هاسپرده‌شد. در

اسناد این دوره، نامی از «علی سلطان» و «آقا سید جعفر» به‌عنوان دشتیان و میراب مزرعه سعدآباد به میان آمده است. اینکه آیا مزرعه سعدآباد، مانند دیگر مزارع اطراف مشهد دارای قلعه برای سکونت کشاورزان بود یا نه، چندان معلوم نیست و نگارنده با وجود تلاش بسیار، نشانه مستندی در این‌باره پیدا نکرد. نزدیک بودن مزرعه سعدآباد به مشهد از یک‌سو و از سوی دیگر، هم‌جواری آن با قلعه معروف «آبکوه»، این‌ظن را تقویت می‌کند که شاید زارعان فعال در سعدآباد، ساکن مشهد یا قلعه آبکوه بوده‌اند.
باین‌حال این فقط یک گمان است و باید برای اثباتش، دلایل معقول و مستند پیدا کرد. کشاورزان و باغیان‌های مزرعه سعدآباد، معمولا دست‌مزد خود را به‌صورت قسمتی از محصول دریافت می‌کردند. در واقع می‌توان فعالیت آن‌ها را به‌نوعی، در قالب عقد «مزارعه» یا «مساقات» در نظر گرفت. سندی به شماره۱۹۷۲۳ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که مربوط به دوره صفویه است و در آن از «محاسبه حاصل باغ مزرعه سعدآباد و احقاق حق باغیان مزرعه مذکور» سخن به میان آمده است. به‌غیر از موضوع تأمین دست‌مزد کارگران و نظارت بر امور آن‌ها، یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌هایی که باید در مزرعه سعدآباد صورت می‌گرفت، لای‌روبی قنات معروف آن

مستقل عنوان مجرمانه پیدا کرد. خلاصه اینکه هرچه گذشت چک جایگاه بیشتری میان مردم یافت و قانون آن هم در سال‌های ۱۳۲۷، ۱۳۴۴، ۱۳۵۵، ۱۳۷۲ خورشیدی کامل‌تر شد تا خطاهای آن به‌مرور رفع شود. احتمالا در گذشته تعداد شاخص‌های کنترلی برای برگه‌های چک خیلی کمتر بوده است و هر کسی به‌راحتی می‌توانسته است خودش را جای دیگری جا بزند و چک او را نقد کند. از همین اشکال کلاهبرداران استفاد و چک‌ها را جعل می‌کردند و پولی به جیب می‌زدند. روزنامه آفتاب‌شرق درباره این واقعه نوشته است: «این باند تاکنون امضای جمعی از صاحبان حسابداری‌های بانکی را جعل نموده و به‌وسیله چک قریب ۱۰۰۰۰۰۰ ریال کلاهبرداری نموده‌اند.» این جریده در توضیح این خبر می‌نویسد: «از اوائل سال ۱۳۴۲ شکایاتی مبنی بر جعل چک‌ها به دایره آگاهی مشهد می‌رسید. صاحبان چک‌ها در این شکواییه‌ها مدعی بودند که بر جعل چک‌ها به دایره آگاهی مشهد می‌رسید. صاحبان چک‌ها در این شکواییه‌ها مدعی بودند که مابرای وصول چک‌ها به بانک‌ها مراجع می‌کردیم؛ همین‌که داخل بانک می‌شدیم، جوانی کوتاه‌قد با سیبل‌های پریشان به جلوی ما می‌آمد و با یکمال خضوع و خشوع اظهار می‌داشت آقا برای آنکه شما در بانک معطل نشوید، من حاضر پول چکتان را خودم بپردازم، بعد خودم آن را از بانک نقد خواهم کرد.»



تصویر هوایی سال ۱۳۴۹ از اراضی سعد آباد باقی نمانده است. به استناد نقشه سال ۱۳۳۳ مشهد این مزرعه در دهه ۳۰ وجود داشته است.

اسناد آستان قدس رضوی)، با بین سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۴ش از «مهدی شایگی» در اسناد به‌عنوان مستأجر مزرعه سعدآباد سخن به میان آمده است (سند۲۷۱۸ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی) که نشان می‌دهد با وجود ورود سعدآباد به محدوده شهر مشهد، هنوز هم فعالیت‌های کشاورزی و باغداری، دست‌کم در قسمتی از این مزرعه قدیمی ادامه داشت.
اواخر دهه ۱۳۱۳ش بود که خانه‌سازی و ایجاد منازل مسکونی در مزرعه سعدآباد آغاز شد. گزارش‌های مربوط به ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز این خانه‌ها، در بخشی از اسناد موجود قابل بررسی است؛ مثلاً در سند شماره۱۴۰۸۲۹، مربوط به سال۱۳۱۹ش، صحبت از «برق‌رسانی» به منزل «حسین پنی‌آدم» در «سعدآباد» به میان آمده است؛ اقدامی که توسط «شرکت سهامی عام تخریبی و نساجی خسروی خراسان» که در آن زمان بخش اعظم برق مورد نیاز مشهد را تأمین می‌کرد، به انجام رسید. در همین سال و نیز ابتدای سال۱۳۲۰ش، بخش‌هایی از اراضی مزرعه سعدآباد به افراد مختلف فروخته‌شد. اسناد مربوط به معامله این زمین‌ها و حتی نام افرادی که برای خرید زمین اقدام کرده‌اند، در اسناد موجود است (به‌عنوان نمونه، بنگرید به سند۹۴۶۳۴ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی). قاعدتا فروش اراضی موقوفه از نظر شرعی و قانونی ایراد اساسی داشت و انجام‌شدنی نبود. اما نکته مهمی که باید در این زمینه بدانیم، آن است که در اردیبهشت سال ۱۳۲۰ش مجلس شورای ملی احتمالا به خواست رضاشاه، قانونی را تصویب کرد که براساس آن فروش اراضی موقوفه مجاز شناخته می‌شد. این قانون که تا آبان همان سال برقرار باقی ماند - و بعد از آن منسوخ اعلام کردند- آسپ‌های جبران‌ناپذیری به نهاد وقف در سراسر کشور وارد کرد و باعث از بین‌رفتن بسیاری از موقوفات شد. آغاز فروش و واگذاری اراضی سعدآباد در سال۱۳۱۹ش نشان می‌دهد که فرایند فروش زمین‌های وقفی حتی پیش از تصویب قانون نیز، آغاز شده و ظاهراً مستند آن قانونی ملایم‌تر درباره نگهداری موقوفات و فروش اضطراری آن‌ها بوده است که چند سال قبل از این، به تصویب رسید. قانون جدید، شتاب فروش اراضی رایبشتر کرد. فتح... با گروان. نیاز ثبت تولیت وقت، نقش مهمی در واگذاری اراضی موقوفه به مالکان شخصی داشت. باین‌حال این اقدام به همه مزرعه سعدآباد

تسری پیدا نکرد و بخش‌هایی از آن همچنان به‌عنوان موقوفه باقی ماند و صرفاً برای احداث منزل به افراد اجاره داده شد. امروزه اراضی مزرعه سعدآباد در مرکز شهر مشهد قرار دارد و کوچ‌هایی آن به‌دلیل داشتن درختان سر به‌فلک‌کشیده، همچنان یادآور روزگار خوش گذشته در این منطقه قدیمی و کهن سال است.

«در مشهد شعبه ۱۲ آگاهی مأموریت یافت که هرچه زودتر عاملین این جنایت را دستگیر نماید. بالاخره آقای شاطریان، رئیس شعبه ۱۲ آگاهی، با همکاری مأمورین مربوطه چند روز قبل موفق شدند رئیس این باند را در مشهد دستگیر کنند. وی محمد لسمه خراسانی، معروف به مسعود خراسانی می‌باشد و هنگامی‌که می‌خواست است چک بانک صادرات را که قبل‌اجل نموده است از باجه دریافت دارد. دستگیر و تحویل مقامات قضایی استان داده شد.» البته گویا این فرد در میان دوستانش هم سابقه خوبی ندارد و در پیرونده‌وردونشان بی‌اخلاقی‌هایی در حق آنان نیز دیده می‌شود؛ «یک شب که برای تفریح و خوش‌گذرانی به‌اتفاق چندتن از دوستانش به منزل زن معروفه‌ای رفته بودند. دسته چک دوستش را می‌زند. ولی خوشبختانه این بار ریخش نگرفت و جریان کلاهبرداری‌اش آفتابی‌شد و هم‌چنان باز شد. پس از دستگیری وی جریان به تهران مخایه‌گردید و از طرف شهربانی کل کشور عده‌ای از کارآگاهان مأمور شدند که سه نفر از همدستان او را که شناخته شده‌اند، دستگیر کرده و آنان را نیز به سزای اعمالشان برسانند.» طبق گزارش این روزنامه این باند موفق می‌شود در مدت کوتاهی میلیون‌ها ریال از این راه کلاهبرداری کند که فقط یک میلیون ریال آن در جعل چک‌های مردم مشهد و بانک‌های این شهر بوده است. این کلاهبردار که معلوم نیست چگونه به دهنش خطور کرده است چنین کلاهی از مردم بردار از طرف مقامات قضایی با قرار ۱۰۰ هزار ریال زندانی می‌شود تا حساب کار دستش بیاید.

مرضیه ترابی| چنین به نظر می‌رسد که مزرعه کهن سال «سعدآباد» عمری بیش از مشهد داشته باشد. اراضی این مزرعه قدیمی، روزگاری به‌عنوان بخشی از زمین‌های زراعی اطراف روستای سرسبز سناباد شناخته می‌شد و به‌دلیل وجود آب فراوان و خاک حاصلخیز، بسیار مورد توجه بود. قنات این مزرعه در کنار قنات شناخته‌شده «سناباد» و نیز قنات پرآب مزرعه «سرده»، از نخستین منابع تأمین آب برای زائران و مجاوران مشهدالرضا^(ع) محسوب می‌شد و تا حدود هفتاد سال قبل، همچنان پرآب و فعال بود. در دوران رونق فعالیت‌های کشاورزی مزرعه سعدآباد، این مزرعه از شرق به اراضی مزرعه «سرده»، از شمال به اراضی «میل‌کاریز»، از غرب به اراضی مزرعه «ملک‌آباد»، و از جنوب به اراضی مزرعه «احمدآباد» منتهی می‌شد. امروزه محله‌ای به نام سعدآباد، بین محله‌های کلاهدوز، کوی دکترها، صاحب‌الزمان^(ع) و شاید حدود آن، چندان با سعدآباد باستانی تطبیق نداشته باشد. در این نوشتار سعی می‌کنیم با تکیه بر اسناد تاریخی، به بررسی پیشینه مزرعه قدیمی سعدآباد که امروزه یکی از مناطق شناخته‌شده و سستی شهر مشهد بر روی اراضی آن قرار گرفته است، بپردازیم.

● معمای نام «سعدآباد»

دلیل نام‌گذاری مزرعه به اسم «سعدآباد» معلوم نیست؛ اما تقریباً تردیدی نداریم که دست‌کم از دوره تیموری به این‌سو، آن را با همین نام می‌شناخته‌اند. این مزرعه بعد از ساخته‌شدن مسجده گوهرشاد در سال ۸۲۱/۷۹۷ش توسط گوهرشاد خاتون، در ردیف موقوفه‌های مسجد جامع قرار گرفت و در وقف‌نامه منسوب به بانی مسجد، نام این مزرعه به‌صورت «سعدآباد» ثبت شد. در متون دوره صفویه و پس از آن هم، نام سعدآباد محفوظ مانده و تغییری را تجربه نکرده است. به‌نظر می‌رسد که بعد از احداث ورزشگاه تختی مشهد بر روی اراضی مزرعه سعدآباد، نام ورزشگاه را هم از نام مزرعه مذکور اقتباس کرده باشند و از این‌رو، نخستین ورزشگاه بزرگ مشهد به نام سعدآباد مشهور شد. به‌همین‌دلیل، باید این فرض‌نامه توسط برخی جدی گرفته می‌شود و نام‌گذاری ورزشگاه را اقتباسی از نام کاخ سعدآباد در تهران می‌پندارند، دچار تشکیک و تردید جدی بدانیم.

● مرکز تولید هلو از دوره صفویه

ارتفاع دشت مشهد که در میان دورشته کوه بینالود و هزارمسجد قرار دارد، از غرب به‌طرف شرق کم می‌شود. مزرعه سعدآباد به‌دلیل قرارگرفتن در بخش غربی، در منطقه مرتفع‌تر قرار داشت و به‌همین‌دلیل، از آب‌وهوای بهتری برخوردار بود. زه‌کشی مناسب خاک در کنار جریان داشتن قنات مشهور و پرآب سعدآباد، این مزرعه را به مکانی زرخیز و پرمحصول در نزدیکی شهر مشهد تبدیل کرد و در اراضی آن، افزون بر مزارع مختلف با محصولات متفاوت، باغات میوه نیز پرورش یافت که بخش مهمی از نیاز شهر مشهد و مناطق هم‌جوار آن را تأمین می‌کرد. اصلی‌ترین محصول مزرعه سعدآباد گندم بود که در بیشتر اراضی زراعی آن کشت می‌شد. باین‌حال، تولیدات کشاورزی این مزرعه، شامل انواع محصولات جالیزی و باغی هم بود. گزارش‌های متعددی درباره کشت محصولات جالیزی، مانند کدو و خیار در سندهای مربوط به مزرعه سعدآباد در مرکز اسناد آستان قدس رضوی وجود دارد. در باغات خوب است بدانید که باغ‌های مزرعه سعدآباد، یکی از اصلی‌ترین کانون‌های تولید هلو در اطراف مشهد محسوب می‌شد و مدارک مربوط به این مسئله، از

زینبی| ا شصت سال پیش اتفاقی در مشهد

رخ می‌دهد که چک نقش اصلی را در آن ایفا می‌کند و کاستی‌های چک‌های قدیم را به چشم می‌آورد. این اتفاق در سال ۱۳۴۳ می‌افتد و سبب می‌شود مطبوعات وقت چنین تیتربزنند: «رئیس باند بزرگ‌ترین جاعلان ایران در مشهد دستگیر شد». برای رفتن به سراغ این ماجرا باید نخست بزینیم به تاریخچه چک در ایران و اینکه چطور رد پای این اوراق بهادر به معاملات باز شد.

● چک از زمان هخامنشیان

شاید برایان جالب باشد که پژوهشگران سابقه چک و عملیات بانکی را از دستاوردهای دوره هخامنشیان می‌دانند. در نوشته‌های دوره ساسانی نیز به زبان پهلوی لغت چک را داریم و گویا این واژه از ایران به دیگر زبان‌های جهان راه یافته است تا اکنون این ورقه معتبر پای ثابت معاملات اقتصادی در سراسر جهان باشد. اما اگر از بُعد باستانی آن گذر کنیم، باید بدانیم قانون تجارت ایران در سال ۱۳۱۱ به تصویب رسید و برای اولین بار این واژه چک در همین قانون سخن به میان آمد. در اولین قانون تجارت کشورمان از چک به‌عنوان مصداقی از اسناد تجاری به معنای خاص برات و سفته یاد شده است. در سال ۱۳۱۲ م‌ه ۲۳ به قانون تجارت اضافه شد که براساس آن برای تجارت با مردم و چک بلامحل مشمول جرم کلاهبرداری شد. در سال ۱۳۳۱ هم قانونگذار قانون صدور چک مشتمل بر ۱۲ ماده و ۵ تبصره را به تصویب رساند و صدور چک بلامحل به‌صورت

مشهد قدیم

خراسان نامه

درباره مسجد ۷۲ تن که چند ماهی است درش برای بازدید باز شده است

تزئینات آخرین بنای دوره شاه‌رخ میرزا



تصویری قدیمی از مسجد شاه. احتمالاً در دوره قاجار

هادی دقیق| مغول‌ها پس از حمله چنگیز از شرق ایران (۶۱۵ قمری)، دفعه بعد با هلاکوخان (۶۵۴ قمری) از ایران گذشتند و فتوحاتشان را تا مرز مصر بردند. آن‌ها این بار سر راهشان دودمان اسماعیلیان، عباسیان، اتابکان سلجوقی و حتی حکومت‌های محلی آن سوی میان‌رودان را هم که داشتند آب و نانشان را می‌خوردند و با کسی کاری نداشتند، به باد دادند. با وجود این، رفته‌رفته اوضاع ایران داشت بهتر می‌شد که باز یکی دیگر از همان دودمان در سال ۷۸۱ قمری، با پای لنگ و دل سنگ، به خراسان تاخت، اما پس از او، دیگر قوم مهاجم به فرهنگ کهن ایران باخت. این‌گونه شد که جانشینان تیمور لنگ که به امارت رسیدند، بنای ایجاد عمارت کردند، در این زمانه آن چنان تعداد هنرمندان و هنر دوستان بسیاری است که در مقام مقایسه چهارمین پسر تیمور، شاه‌رخ میرزا، در این زمینه از همه نخست، درباره هویت بانی بنا، معماران هم شک‌ن‌تردید زیاد است. دور تا دور ایوان ورودی کتیبه‌ای است که هرچند نصفه‌نیمه است و بخش زیادی از آن از بین رفته است، می‌شود در سمت چپ آن نام امیرملک‌شاه به‌عنوان بانی و سال ۸۵۵ قمری را دید. همچنین در سمت راست کتیبه ایوان نام معمار بنا، شمس‌الدین محمد تبریزی، دیده می‌شود. درباره هویت چهار قبر سرداب این بنا نیز اطلاع دقیقی نداریم. احتمالاً عنوان شاه بر نام قدیم مسجد یا از همین ملک‌شاه گرفته شده است یا از شاهان دوره صفوی که آن را بازسازی کرده‌اند. کتیبه‌ها و تغییراتی که در تزئینات آن مشاهده می‌شود، تغییر کاربری و تعمیر اساسی بنا در عصر شاه‌سلطان حسین و سال ۱۱۱۹ قمری را تأیید می‌کند؛ تاریخی که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه هم روی کاشی‌ها دیده است، اما امروز از آن کاشی خری نیست و از بین رفته است.

● تاریخ آخرین یادگار شاه‌رخ

پیش‌تر در دهه ۴۰ با کشف یک سرداب و چند قبر در زیر این بنا، برخی پژوهشگران گفتند که اینجا مقبره بوده و در دوره‌های بعد به مسجد تبدیل شده است. با وجود این، ابهامات بنا فقط همین‌ها نیست؛ درباره هویت بانی بنا، معماران هم شک‌ن‌تردید زیاد است. دور تا دور ایوان ورودی کتیبه‌ای است که هرچند نصفه‌نیمه است و بخش زیادی از آن از بین رفته است، می‌شود در سمت چپ آن نام امیرملک‌شاه به‌عنوان بانی و سال ۸۵۵ قمری را دید. همچنین در سمت راست کتیبه ایوان نام معمار بنا، شمس‌الدین محمد تبریزی، دیده می‌شود. درباره هویت چهار قبر سرداب این بنا نیز اطلاع دقیقی نداریم. احتمالاً عنوان شاه بر نام قدیم مسجد یا از همین ملک‌شاه گرفته شده است یا از شاهان دوره صفوی که آن را بازسازی کرده‌اند. کتیبه‌ها و تغییراتی که در تزئینات آن مشاهده می‌شود، تغییر کاربری و تعمیر اساسی بنا در عصر شاه‌سلطان حسین و سال ۱۱۱۹ قمری را تأیید می‌کند؛ تاریخی که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه هم روی کاشی‌ها دیده است، اما امروز از آن کاشی خری نیست و از بین رفته است.

● تزئیناتی که بنا را جاودانه کرد

این مسجد، فضایی سرسبز به پلائی مستطیل شکل دارد که گنبدی کروی سقف فضای اصلی آن را پوشانده است. آزاره‌ای از سنگ مرمر سیاه نیز سرتاسر دیوار داخلی و بیرونی بنا را پوشانده است. مسجد ۷۲ تن دارای یک ایوان ورودی در وسط و دو غرفه در هر طرف ایوان و دو مناره در کنار غرفه‌هاست و تزئینات کاشی‌کاری و نقاشی دیواری زیبایی دارد. ایوان اصلی که سراسر با کاشی معرق سبک دوره تیموری پوشیده شده است، به گنبدخانه می‌رسد. دور تا دور گنبدخانه نیز با دالانی احاطه شده است و چند اتاق هم در اطراف دالان هست. در کل فقط همین فضای گنبدخانه مسجد ۷۲ تن است که همچنان تزئینات دارد و چشمگیر است؛ بقیه اتاق‌های این بنا، همگی سفیدند و با گچ پوشیده شده‌اند.

آزاره گنبدخانه بسیار نفیس و یادآور نوزع زراوند است. این کاشی‌ها به‌رنگ سبز سیر درخشان است. در این کاشی‌ها تالوُ هفت‌رنگ و آثار اندکی از نقوش بسیار ظریف طلایی به چشم می‌خورد. نقوش طلایی فقط در چند کاشی در یکی از گوشه‌ها باقی مانده است. کاشی‌های شش‌گوش سبزرنگ همه دیوار گنبدخانه را تا زیر طاق‌های باربر که پلان چهارگوش را به هشت ضلعی تبدیل می‌کنند، ادامه دارد. در گوشه‌ها، سطوح گچی دیده می‌شوند که تا قبل پوش‌ها و زیر گنبد ادامه می‌یابند. نقاشی دیواری‌های گنبدخانه هم در گوشه‌ها از روی همین سطوح شروع می‌شود و تا زیر گنبد می‌رسد.

در فضای گنبدخانه دو رشته کتیبه دیده می‌شود که دور تا دور فضا چرخیده است؛ یکی بالای آزاره با کاشی معقلی است و دیگری، کتیبه گچی بالای فیل‌پوش‌ها با رنگ زمینه اخرا بیی است. نکته جالب درباره این گچ‌بری‌ها چه در طرح‌های اسلمی و چه نوشته‌ها، طلاچسبانی روی برخی از آن‌هاست. بالا و پایین کتیبه‌کاشی نیز، نقوش طلایی نام مبارک حضرت علی^(ع) سه‌بار به خط کوفی دیده می‌شود که روی کاشی‌های مستطیلی نقش شده است. این نقوش طلایی از روی کاشی‌ها پاک شده‌اند. زیرا بخش اندکی از آن باقی مانده است و فقط از زاویه‌ای خاص و در حالتی که نور روی آن منعکس شود، دیده می‌شود.

روی مناره‌های نصفه‌نیمه بنائیز که از آن‌ها فقط پایه و ساقه مانده و گلدسته‌شان از بین رفته است، با ترکیبی از آجر و کاشی تزئین شده است. روی ساقه مناره، کاشی‌های طرح ترنج در میان آجر به چشم می‌خورد که به اسماء الهی مزین هستند. محل اتصال ساقه مناره با دیوار بنا هم طوری نداعی می‌کند که انگار بخشی از تزئینات دیوار را پوشانده است و این، گمان الحاق شدن مناره‌ها در دوره‌های بعد را تقویت می‌کند؛ هرچند که تزئیناتش مشابه نمونه‌های هم‌عصرش مثل مسجد گوهرشاد و مدرسه غیاثیه خرگرد خواف است.

با این تفصیل، اگر این روزها به این بنا سر بزنیم، همچنان مرمت‌کاران را می‌بینیم که مشغول کارند. در این بنا از زمستان ۱۴۰۲ به روی بازدیدکنندگان باز شده و قرار است در آینده به موزه تبدیل شود، هرچند تزئینات کنونی مسجد شاه با این همه رنگ‌گوناگون، زیر نور لامپی که از نورگیرها می‌رسد، به یک موزه جذاب معماری می‌ماند.

عکس هوایی از سامانه جامع آذین و توسعه شهرداری مشهد

عکس هوایی از سامانه جامع آذین و توسعه شهرداری مشهد